

تصریح و تلویح

علی خزاعی فر

اصطلاح تصریح یا آشکارسازی (explicitation) را اولین بار وینه و داربلنه (۱۹۵۸) به کار برده‌اند. از نظر آنها تصریح عبارت است از "گنجاندن اطلاعاتی در ترجمه که تلویحاً در متن اصلی آمده و از متن یا موقعیت می‌توان آن را استنباط کرد." در غالب موارد تصریح به دلیل تفاوت‌های نحوی و معنایی دو زبان مبدأ و مقصد صورت می‌گیرد. در این موارد تصریح، تغییری اجباری است. گاه نیز تصریح به اختیار مترجم و با ملاحظه خواننده ترجمه و هدف ترجمه صورت می‌گیرد. در این موارد تصریح، تغییری اختیاری است. در اینجا تصریح را در معنایی عام به کار می‌بریم که شامل موارد اختیاری و اجباری می‌شود. در ادامه بحث مواردی اجباری و اختیاری از تصریح را به عنوان مثال ذکر خواهیم کرد.

چنانکه گفته شد، تصریح نوعی تغییر بیان است. یکی دیگر از موارد تغییر بیان، تلویح یا پوشیده‌گویی (implication) است. تلویح متضاد تصریح است اما کمتر به کار می‌رود. تصریح و تلویح در واقع نوعی افزودن به متن و کاستن از متن است. مترجمان بنا بر ضرورت‌های زبانی و فرهنگی معمولاً به متن می‌افزایند و لذا در ترجمه تمایل به تصریح همیشه قوی‌تر از تمایل به تلویح است و به این دلیل است که ترجمه معمولاً از اصل آن بلندتر است و نیز روابط درون‌متنی در ترجمه از روابط درون‌متنی در متن اصلی روشن‌تر است و لذا ترجمه از روی متن ترجمه شده ساده‌تر از ترجمه از روی متن اصلی است. مترجم برای آن که متنی را ترجمه کند نخست باید آن را کاملاً درک کند یعنی به تفسیری از متن برسد و این تفسیر که در ترجمه هر چند با حداقل کلمات باز نویسی می‌شود از متن اصلی بلندتر یا دست‌کم صریح‌تر است. تلویح نوعی تغییر بیان است که در آن اطلاعاتی که در متن اصلی تصریح شده به دلیلی به صورت ناقص، تلویحی یا ضمنی به ترجمه انتقال می‌یابد. یکی از عام‌ترین موارد تلویح در ترجمه از انگلیسی به فارسی ترجمه ضمائر سوم شخص است. در انگلیسی از دو ضمیر he و she برای اشاره به سوم شخص مذکر و مؤنث استفاده می‌شود و لذا مرجع ضمیر سوم شخص در متن انگلیسی به صراحت بیان می‌شود، حال آن‌که در فارسی فقط ضمیر "او" وجود دارد و لذا اطلاعات مربوط به جنسیت مرجع ضمیر در ترجمه انگلیسی به فارسی منتقل نمی‌شود.

از جمله موارد تصریح وقتی است که مترجم می‌خواهد بین جملات متن ربط معنایی (coherence) و یا انسجام و پیوستگی (cohesion) ایجاد کند. به طوری که زلمایر (۱۹۸۷) می‌گوید مردم وابسته به هر فرهنگ و زبان، تصورات و انتظارات خاصی از متن مطلوب دارند و مترجم متن را در حد انتظار یا درک

خواننده ترجمه می‌کند و لذا مجبور به انجام تغییراتی می‌شود. همچنین، زبانها ساختاری متفاوت دارند برای مثال تفاوت در ترتیب اجزای کلام در دو زبان مبدأ و مقصد باعث می‌شود تغییراتی در جای عناصر جمله ایجاد شود. به دلیل اینکه نحوه ایجاد ارتباط معنایی و پیوستگی و انسجام در هر زبان متفاوت است یعنی در هر زبان عوامل انسجام^۱ به شیوه‌های مختلف به کار گرفته می‌شود. گاه اگر متن مبدأ لغت به لغت ترجمه شود، ترجمه آن برای خواننده از جهت ارتباط معنایی یا زبانی میان جملات، مفهوم یا روان نیست و لذا مترجم ناچار است آنچه را که نویسنده در متن نیاورده اما خواننده تلویحاً می‌فهمد در ترجمه آشکار کند و ارتباط هر جمله را با جملات قبل و جمله بعد به نحوی برقرار کند که خواننده بین جملات پیوستگی احساس کند.

بلوم کولکا (۱۹۸۶) در زمینه ربط معنایی و انسجام و پیوستگی در متون ترجمه شده تحقیقی مبسوط انجام داده و به این نتیجه رسیده است که در این قبیل متون در مقایسه با متون تألیفی ابزار انسجام بیشتر به کار می‌رود و بر این اساس نظریه تصریح را مطرح می‌کند. بر اساس این نظریه، تصریح یک استراتژی عام است و در هر کجا که زبان نقش میانجی دارد، مثلاً در ترجمه یا در یادگیری زبان، به کار می‌رود. وندراورا (۱۹۸۵) نیز تحقیقی بر روی متون ترجمه شده انجام داده و برخی روش‌ها را که در جهت هر چه صریح‌تر ساختن متن بکار می‌روند بر شمرده است. از جمله این روش‌ها عبارت است از: استفاده از کلماتی برای واضح‌تر نشان دادن توالی اندیشه آدهای داستان، افزودن صفات و توصیف‌کننده‌ها و حروف ربط، افزودن اطلاعاتی به متن، درج توضیحاتی در متن، تکرار مطالب ذکر شده قبلی، روشن کردن جنبه‌های مبهم متن، دقیق‌تر بیان کردن جنبه‌هایی از متن، مشخص کردن مرجع ضمائر و ابهام زدایی، توضیح بیشتر درباره نامهای جغرافیایی، افزودن اطلاعاتی درباره پیشینه موضوع بحث، روشن کردن اشارات نهفته در متن و غیره. لوون زوات (۱۹۹۰) می‌گوید یکی از ویژگی‌های نثر جدید در مقایسه با نثر قدیمی‌تر این است که از صراحت کمتری برخوردار است. لذا گاه مترجم برای آن که نثرش زبانی کهنه پیدا کند، میزان صراحت متن را به روشهای مختلف، که برخی از آنها در بالا ذکر شد، افزایش می‌دهد.

گفتیم که در غالب موارد تصریح، تغییری اجباری است و آن به دلیل تفاوت‌های ساختاری و معنایی میان دو زبان می‌باشد. تصریح پدیده‌ای عام در ترجمه است و در مقایسه هر ترجمه خوب با اصل آن موارد بسیاری از تصریح به چشم می‌خورد. در اینجا برای نمونه مواردی از تصریح در ترجمه از انگلیسی به فارسی را مثال می‌آوریم.

- Many people are worried about what television has done to the generation of American children who have grown up watching it.

۱. عوامل انسجام عبارتند از: ellipsis, substitution, reference, lexical cohesion, conjunction.

ترجمه اول: بسیاری از مردم نگران تأثیرات سوء تلویزیون بر نسلی از کودکان آمریکایی هستند که پای تلویزیون بزرگ می‌شوند.

ترجمه دوم: بسیاری از آمریکاییها نگران تأثیرات سوء تلویزیون بر نسلی از کودکان این کشور هستند که پای تلویزیون بزرگ می‌شوند.

از ترجمه اول این مطلب استنباط می‌شود که بسیاری از مردم دنیا نگران نسلی از کودکان آمریکایی هستند. حال آنکه این متن در اصل برای خواننده آمریکایی نوشته شده و مقصود از "مردم" مردم دنیا نیست بلکه مردم آمریکا است. ترجمه دوم از این جهت بهتر است که آنچه را که نویسنده به طور ضمنی در متن آورده مترجم تصریح کرده است. در واقع مترجم در اینجا چیزی به متن اضافه نکرده بلکه اگر کلمه "آمریکاییها" را نمی‌گفت، چیزی از متن کاسته بود.

- 'What are the odds in favou of me getting mugged?' he asked his friend, Lenny, ...
'How do you think I can avoid getting mugged?' Martin asked his friend, Grace.

یک روز مارتین از دوستش لنی پرسید: "چقدر احتمال دارد که دزدان خیابانی سراغ من بیایند؟" ...
روزی دیگر مارتین از دوستش گریس پرسید: "به نظر تو چگونه می‌توانم از سر دزدان خیابانی در امان بمانم؟"

در ترجمه دو جمله فوق، مترجم دو عبارت "یک روز" و "روزی دیگر" را به متن افزوده تا مطابق با انتظار خواننده فارسی زبان انسجام میان جملات را با صراحت بیشتر بیان کرده و بر جنبه روایی داستان تأکید کند.

● شعر *The Silken Tent* از رابرت فراست با مطلع *She is as in a field a silken tent* توصیف دختری است که با ضمیر she در شعر مشخص شده است. از آنجا که خواننده از شعر انگلیسی به صراحت در می‌یابد که شعر درباره دختری است، این نکته باید در ترجمه صراحت پیدا کند و گر نه آنچه در متن انگلیسی تصریح شده در فارسی پوشیده می‌ماند و لذا متن اصلی و ترجمه از نظر میزان اطلاعاتی که به خواننده می‌دهند یکسان نیستند.

ترجمه اول: خیمه‌ای ایریشمین در صحرا را می‌ماند.

ترجمه بهتر: دختر خیمه‌ای ایریشمین در صحرا را می‌ماند.

● در انگلیسی کاربرد جملات ناقص (elliptical) بسیار متداول است. در این جملات برخی از اجزای جمله از رو ساخت حذف شده است. از آن جا که در فارسی کاربرد چنین جملاتی متداول نیست، طبعاً اجزای حذف شده از رو ساخت در ترجمه ظاهر می‌شود. به چند مثال توجه کنید:

- Spectators who leave the theatre before the end of the performance are requested to do so quietly.

از تماشاگرانی که پیش از اتمام نمایش تماشاخانه را ترک می‌کنند درخواست می‌شود آرام از سالن خارج شوند.

- Unless you particularly want to, there is no need to telephone them in advance.

اگر برای تلفن زدن به آنها دلیل خاصی نداری، لازم نیست این کار را بکنی.

در جملات انگلیسی فوق فعل یا عبارت فعلی که از جمله قابل درک است حذف شده است اما در ترجمه فارسی آنها به طرق مختلف بخش حذف شده در رو ساخت جمله ظاهر شده است. در ترجمه جمله اول، فعل تکرار شده، و در ترجمه جمله دوم، از عبارت "کردن این کار" به جای فعل استفاده شده است.